



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- درآمد

آنها و تفکیک محدوده هر یک و تحلیل موارد مشترک (در رابطه عام و خاص من وجه و تباین)، می‌تواند بیانگر نقطه عطف و تلاقی آنها باشد.

در این پژوهش ابتدا به تبیین چهارچوب مفهومی پرداخته شده و سپس گروه‌بندی آیات مربوطه تبیین شده است. در ادامه موضوع آزادی عقیده و محدوده آن و تقریر شبهه معتقدین به ناسازگاری مطرح شده و احتمالات در متعلق اکراه و قرائن درون‌متنی و برون‌متنی مورد اشاره قرار گرفته شده است و در پایان ارتداد از منظر ادیان مختلف و در راستای مؤید مباحث قبلی مطرح گردیده است.

این بحث در حوزه‌های مختلف قابل طرح است؛ الف. اخلاقی: از منظر اخلاقی انسان‌ها از حق آزادی برخوردار بوده و می‌توانند به یک ایده و یا عقیده اعتقاد داشته یا نداشته باشند، لذا الزام آنها بر پابندی بر یک تفکر و تهدید شدن به مجازات در صورت خروج از آن تفکر با آموزه‌های اخلاقی چالش صریح دارد. ب. کلامی: از جهت اعتقادی انسان‌ها باید دارای اندیشه آزاد باشند و ایده، مذهب و مکتب خود را بر اساس آن انتخاب کنند، این امر می‌تواند بسته به نوع تفکر انسان و روند رو به رشد وی در بستر زمان از تغییرات و سوگیری‌ها مختلف گریزی نداشته و ممکن است هر آن از اندیشه‌ای به اندیشه دیگر عدول کند، لذا لزوم پابندی بر یک اندیشه در تمام ادوار امری دشوار و منافی با آزادی اندیشه تلقی می‌گردد. ج. تاریخی: انسان‌ها همواره به دنبال اندیشه آزاد بوده‌اند و در هر کجا از تاریخ در بند تفکر و اندیشه‌ای محصور شده‌اند، نسبت به آن واکنش مثبتی نداشته و به صورت ظاهر یا پنهان به تقابل با آن پرداخته‌اند، کلیسای قرون وسطی نمونه بارزی از این رفتار بوده و موجب ریزش

تفکرات دینی بسیاری گردید. د. فقهی و حقوقی: مذاهب فقهی اسلامی از ارتداد به عنوان یک جرم یاد کرده و مجازات‌هایی برای آن (از جمله اعدام) ذکر شده است. از سویی صریح آیات قرآن از جمله آیه ۲۵۶ سورة بقره به آزادی انسان اشاره داشته و بیانگر آن است که در دین اکراه و اجباری وجود ندارد. بر این مبنا ممکن است چنین تصور گردد که انسان موجودی آزاد است و اگر دین خود را تغییر دهد نباید در انتظار مجازاتی باشد و گویی معنای مجازات ارتداد آن است که فرد مرتد باید با اجبار مسلمان باقی‌مانده و در این حوزه الزام وجود دارد.

سؤال پژوهش چگونگی امکان جمع میان معنای آیه (عدم اجبار در دین) و احکام سرسختانه‌ای چون اعدام برای مرتد است. این سؤال از سویی به درستی برای ناآشنایان به عمق معارف قرآنی پیش آمده و نیازمند پاسخ است و در مواردی به صورت شبهه‌ای برای ترسیم ناسازگاری درونی آموزه‌های دینی، مطرح می‌شود (الخالدی، ۱۴۲۸ق: ۴۴۶، ۱). لذا تناقض ظاهری احکام «ارتداد» با آیه «لا اکراه فی الدین» نیازمند بررسی بوده و نسبت آن با احکام اسلامی مربوط به مرتد، مرهون روشننگری است، ضمن اینکه این موضوع در ادیان دیگر نیز مطرح شده و دارای مؤیدات حکمی مشابه با اسلام است.

پیشینه تحقیق

از نظر پیشینه ادعای ناسازگاری احکام ارتداد و مجازات مرتد با آیه ۲۶۵ سورة بقره، در فضای اومانیستی جامعه مطرح شده و از سوی جامعه علمی دینی آثاری در این باب به رشته تحریر درآمده که از آنها، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۱۳

رویکرد	مشخصات	یافته‌ها
اخلاقی	ارتداد و آزادی از نگاه قرآن؛ سید موسی صدر؛	تعریف ارتداد و تبیین دو نظریه - لزوم قتل مرتد و عدم آن - بررسی ناسازگاری حد ارتداد در اسلام با حق آزادی عقیده؛ توضیح «حق بودن آزادی عقیده» و پذیرش «کیفر دنیوی نداشتن» از میان سه معنای ارائه شده
	ارتداد بازگشت به تاریکی، نگرشی به موضوع ارتداد از نگاه قرآن کریم؛ سید جعفر صادقی فدکی؛	اشاره آیات متعدد قرآن به بعضی احکام حقوقی و فقهی ارتداد - برشمردن عوامل ارتداد از دین و آثار دنیوی و اخروی آن با هدف نجات انسان از انحراف و رهنمون ساختن وی به سوی کمال ابدی
کلامی	تفاسیر قرآن و آیه لا اکراه فی الدین؛ علی کریم پور قراملکی	بررسی منظور از دین - رابطه آیه با آیات دیگر - فهم مخاطبان در زمان نزول - تعامل آیه با ادیان دیگر- بررسی احکام نظری و عملی و برخورد آن با مفهوم پلورالیسم با رجوع به تفاسیر شیعه و سنی.
	بررسی رابطه آزادی انتخاب دین (لا اکراه فی الدین) و حکم ارتداد؛ ارتداد و آزادی اندیشه و بیان در اسلام؛ حسین حبیبی تبار (۱۳۸۹)	با هدف تبیین معنای آیه لا اکراه فی الدین که ناظر به آزادی عقیده و انتخاب دین و ارتباط آن با حکم ارتداد است.
	ارتداد؛ آزادی اندیشه و آزادی بیان؛ مهدی عزیزان؛ حبیب صدیقی؛ کلام اسلامی، ۱۳۸۱، ش ۴۲؛	بررسی ماهیت سلبی یا ایجابی ارتداد، که در صورت اول، لاجرم باید فرد در مقام تحقیق که اعتقاد قاطعی نیافته، مرتد به حساب آید.
تاریخی	«آزادی عقیده در اسلام و رابطه آن با ارتداد»؛ عباسعلی محمدی دهنوی،	بررسی آزادی در لغت و اصطلاح - آزادی تفکر و تعقل در امور دینی - آزادی انتخاب

رویکرد	مشخصات	یافته‌ها
	پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم	دین و مذهب - آزادی عقیده و مسئولیت اجتماعی در قبال آن (بخش ۱). پرداختن به مسئله ارتداد به عنوان یکی از شبهات مهم آزادی عقیده (بخش ۲).
فقهی حقوقی	رابطه آزادی انتخاب دین و حکم ارتداد؛ حسین حبیبی تبار	بررسی دیدگاه اسلام درباره آزادی در انتخاب دین با استناد به آیات و روایات و دیدگاه فقها با هدف تبیین معنای آیه لا اکراه فی الدین که ناظر به آزادی عقیده و انتخاب دین و ارتباط آن با حکم ارتداد است.
	ارتداد و آزادی از دیدگاه اسلام؛ علی شریفی	بررسی فقهی موضوع کفر و «ارتداد» از دیدگاه اسلام و ارتباط آن با مسئله آزادی عقیده به منظور استفاده مخاطبین عام و غیر متخصص.
	ارتداد و حقوق الانسان؛ سید لیث حیدری	تبیین معنی لغوی و اصطلاحی ارتداد - اقسام مرتد - تبیین احکام فقهی ارتداد (فصل ۱) دلایل قتل مرتد (فصل ۲).
	ارتداد، تحلیل حکم ارتداد و نقد و بررسی شبهات؛ محمد شفیع مازندرانی؛	بررسی حکم توبه کردن از ارتداد در مورد مرتدان زن و مرد را از لحاظ فقهی - تبیین افکار امام معصوم و آثار آن - بررسی حرمت ارتداد از منظر قرآن و روایات - اشاره به نمونه‌های مورد اشاره از ارتداد در قرآن - بیان راه‌های ثبوت ارتداد، اسباب و عوامل آن، شروط اصلی مرتد و عاقبت آن - طرح مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زن و

رویکرد	مشخصات	یافته‌ها
		مرد مرتد در فقه امامیه - پاسخ به شبهات و سؤالات متعددی در این زمینه.
	بررسی آیه لا اکراه و ارتداد؛ نفیسه حاتم پوری	تکیه بر جنبه جرم بودن سرایت ارتداد به حوزه جامعه اسلامی با توجه به لزوم التزام به دین از نظر قوانین.
	بررسی انتقادی ادله ارتداد از منظر فریقین، ناقد: امینی، زهرا؛ امینی، حسن.	نوشتار بر آن است که مستندات فریقین در زمینه حکم قتل مرتد، غیرتام هستند؛ آیات مورد استناد در قتل مرتد برخی ربطی به ارتداد نداشته و برخی تنها ناظر به مجازات اخروی آن هستند. دلالت روایات بر مجازات ارتداد، نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

در آثار ارزشمند فوق از زوایای متناسب و متفاوتی به مسائلی چون؛ ارتداد، جهاد ابتدایی، آزادی، آزادی عقیده، دین و سایر مباحث در قالب کتاب یا مقاله پرداخته شده است، در حالی که پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی پیش‌فرض‌های شبهه از منظر قرائن درون قرآنی و بیرونی و با التفات بر آموزه‌های ادیان به پاسخ شبهات مربوطه بپردازد. ضمن آنکه ارکان تحقیق حاضر از جهت بررسی موضوع و محور پژوهش با برخی پژوهش‌های مذکور متفاوت بوده و ضروریست تا از منظرهای مختلف به بررسی موضوع پرداخته شود. لذا پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی توصیفی به دنبال نفی ناسازگاری ظاهری موجود در آیه «لا اکراه» و عدم تنافی آن با حکم مجازات مرتد با التفات بر مؤیدات آموزه‌های ادیان است.

چهارچوب مفهومی

ارتداد

ارتداد به معنای رجعت و بازگشت از چیزی است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۲، ۴۷۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۴) و در اصطلاح فقهی به خروج از آیین اسلام گفته می‌شود و فرد مرتکب آن را «مرتد» می‌گویند (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۹ق: ۲، ۳۴۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۸، ۱۳۴). در کتاب‌های فقهی از ارتداد در بخش‌های مختلفی از جمله طهارت، صلاة، زکات، صوم، حج، تجارت، نکاح و ارث سخن به میان می‌آید. در برخی کتاب‌های فقهی بخش مستقلی با عنوان «کتاب المُرْتَدِّ» به ارتداد اختصاص یافته است (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱، ۳۶۶).

ارتداد از جهات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته شده است؛

الف. اخلاقی: به استناد برخی آیات (بقره/۲۱۷) عملی ناصحیح است که فرجام آن مجازات مرتد در آخرت، حبوط اعمال و عذاب جاوید دانسته شده است. امام خمینی (ره) فضایل اخلاقی را در معنی واژه دین در آیه «لا اکراه فی الدین» دخیل دانسته است و انجام فضایل اخلاقی از روی اکراه را بی‌ارزش دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷).

ب. کلامی: از نظر فکری و عقیدتی، به مسلمانانی که از دین اسلام خارج شده‌اند، مرتد اطلاق می‌شود (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۰ق: ۵۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق: ۳، ۵۰۰). برخی نیز محتوای آیه را به صورت قاعده عقلی پذیرفته‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۴، ۲۹۸). از دیدگاه برخی این مطلب از اولین مباحث علم کلام بوده که در بین مسلمین رواج یافته (فانی و رجبی، ۱۳۹۳: ۹۴ و ۹۵). بنابراین از جمله دلایل متکلمین مبنی بر مجبور نبودن انسان بر رفتار (افعال)، استناد به «آیه لا اکراه فی الدین» است (زنجان، ۱۴۱۳ق: ۲، ۱۳۳).

ج. فقهی حقوقی: ارتداد از جهتی اصطلاحی قرآنی فقهی بوده که آن را اعراض از اسلام معنی کرده‌اند (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۰۴ق: ۴، ۲۸۵) و در کتب فقهی متعدد از آن در بخش‌های مختلف سخن گفته شده و برخی کتب فقهی دارای بخشی مستقل با عنوان «کتاب المرتد» هستند (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱، ۳۶۶). مرتد به دو صورت و دارای احکام ویژه خود است (ن. ک. محقق حلی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۷۰ و ۱۷۱)؛ مرتد فطری که به شکل مسلمان به دنیا آمده (ر.ک: محقق حلی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۷۰) یعنی والدین او یا یکی از آنها مسلمان باشند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱، ۶۰۲) و بعداً از اسلام خارج شده باشند (ر.ک: محقق حلی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۷۰). مرتد ملی که ابتدائاً غیر مسلمان، و بعد اسلام آورده و سپس از اسلام برگشته است (ن. ک. محقق حلی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۷۰) مجازات مرتد ملی اگر مرد باشد، در صورت عدم توبه و نیز مرتد فطری مرد، مرگ است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۴، ۱۷۰). اما مرتد زن، زندانی شده تا توبه کرده یا بمیرد. البته مرتد فطری زن و مرتد ملی (زن یا مرد)، در صورت توبه، پذیرفته می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱، ۶۱۲). ارتداد مانع از ازدواج مسلمان با مرتد می‌شود، نیز ارتداد موجب منع ارث مرتد از مسلمان می‌گردد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۹، ۱۷). در قانون مجازات اسلامی ایران، از ارتداد به عنوان جرم یاد نشده و مجازاتی برایش معین نشده اما بعضی با استناد به اصل ۱۶۷ قانون، آن را جرم دانسته‌اند (درودی، ۱۳۸۰: ۶۶).

د. تاریخی: از نظر تاریخی نمونه‌هایی از ارتداد در زمان رسول اکرم (ص)، مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله ماجرای دو فرزند ابوالحصین از انصار که با دعوت برخی مسیحیان، از دین اسلام خارج شده و مسیحی شدند و مورد نفرین پیامبر قرار گرفتند و اولین افراد مرتد نامیده شدند (صادقی فدکی، ۱۳۸۸: ۲۹۴).

هـ سیاسی: با توجه به آنکه دین اسلام مبنای نظام سیاسی است، ارتداد و افشای آن، موجب ضعف اسلام و متلاشی شدن نظام سیاسی آن می‌شود. به این جهت، حکومت اسلامی متصدی آن است تا در قبال علنی‌سازی ارتداد مقاومت کند (ر.ک: عوده، ۱۳۷۵: ۱، ۵۳۶). اظهار اسلام به معنی التزام به پذیرش هویت ویژه و نظم خاص است و ارتداد نوعی عصیان بر علیه هویت عموم جامعه بوده که موجب اختلال در آرامش آن می‌گردد (ر.ک: فضل‌الله، ۱۳۷۷: ۱۱۴) مجازات مرتد باعث می‌شود که مخالفین اسلام با نیت تضعیف ایمان‌ها نسبت به اسلام وارد و بلافاصله خارج نشوند؛ چنانکه نقشه دشمنان در صدر اسلام چنین بوده است (شاکرین، ۱۴۰۴ق: ۳۱۷).

ارتداد در آیات و روایات مورد اشاره قرار گرفته شده است؛ آیات به دو گروه تقسیم می‌شود؛ الف. آیاتی که لفظ «ارتداد» در آن ذکر شده، مانند: آیه ۲۱۷ بقره، ۱۴۹ آل عمران، ۵۴ مائده، ۲۵ محمد(ص). ب. آیاتی که لفظ ارتداد در آنها وارد نشده، منها معنای ارتداد در آنها بیان شده است، مانند: ۵۵ نور، ۶۵ و ۶۶ نور، ۱۰۸ بقره، ۸۶ و ۱۸۸ آل عمران و ۷۴ توبه. از میان آیات فوق در سوره‌های؛ مائده، آیه ۵۴ و محمد(ص) آیه ۲۵، ارتداد مورد مذمت قرار گرفته و در سوره بقره آیه ۲۱۷ با تفصیل بیشتر به موضوع پرداخته است.

در روایات و با توجه به منابع اثری نیز، برخی آثار و احکام ارتداد مورد اشاره قرار گرفته است، اموری همچون: نجاست مرتد^۱ (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱، ۱۴)؛ فسخ ازدواج در صورتی که یکی از مرد و زن بعد از عقد و قبل از آمیزش مرتد شوند (محقق حلی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۷۰ و ۱۷۱)؛ ممنوعیت ازدواج مسلمان با مرتد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۰، ۴۷)؛ ممنوعیت ارث بردن مرتد از مسلمان (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۹، ۱۷).

کارکرد آیه لا اکراه

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)؛ هیچ اجباری در دین نیست و راه از بیراهه به خوبی مشخص گردیده است. پس هر که طاغوت را انکار کرده و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویز محکم، چنگ زده است و خداوند شنوای آگاه است.

آیه به مسلمانان توصیه می‌کند که غیر مسلمانان را به پذیرش اسلام مجبور نکنند و بر آزادی در قبول دین تأکید دارد. آیه زمانی نازل شد که تعدادی از انصار قصد مجبور ساختن فرزندان خود به قبول اسلام را داشتند. علامه طباطبایی معتقد است که اطلاقی آیه، بیانگر آنست که همه انسان‌ها بویژه کفار، نباید با اکراه به قبول دین وادار شوند (ن. ک. طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲، ۳۴۸). لذا آیه لا اکراه بیانگر اجباری نبودن قبول دین بوده و بر اختیار انسان در قبول دین تأکید دارد (فانی و رجبی، ۱۳۹۳: ۹۴). بسیاری از مفسران معتقدند که آیه درصدد تبیین ممنوعیت اکراه در قبول دین است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۳، ۴۱۴؛ طوسی، ۱۳۲۳ق: ۲، ۳۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲، ۲۷۹ و ۲۸۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۳، ۱۱). فخر رازی معتقد است این آیه صریحاً اجبار در گرویدن به دین را رد کرده و ملاک را پذیرش اختیاری دانسته است، زیرا اگر قبول دین به اجبار بود، امکان امتحان و آزمایش منتفی می‌گردید (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۷). علامه حلی فحوای آیه را در احکام نیز جاری دانسته و در مکلف نبودن مکلفین در آنجا که از توانشان خارج است (تکلیف مالا یطاق)، به آیه استناد کرده‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۱۶ و ۴۱۷؛ شبر، ۱۴۰۴ق: ۳۰۶ و ۳۰۷).

به اعتقاد برخی دنیا ظرفی برای آزمون انسان بوده و فردی مورد آزمایش قرار می‌گیرد که دارای اختیار باشد و بر همین اساس خدای تعالی انسان را صاحب اختیار خلق کرده است (شوشتری، ۱۴۰۹ق: ۱، ۴۱۴). بعضی نظیر آیت‌الله سبحانی با توجه به آیه چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که کسی را نمی‌توان به پذیرش اعتقاد خود ملزم ساخت و در اسلام فکر و عقیده آزاد است و وظیفه انبیای الهی هم تنها تذکر و ارشاد بوده است. آزادی‌های طرفداران سایر ادیان هم در اسلام بر همین اساس تبیین شده است (ر.ک: سبحانی، ۱۴۰۴ق: ۲، ۴۰۴ و ۴۰۵).

آزادی عقیده و محدوده آن

آزادی عقیده را آزادی انتخاب هر فکر و باوری اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی یا مذهبی دانسته‌اند که انسان آن را می‌پسندد یا عین حقیقت می‌پندارد، بدون آنکه با ممانعتی از سوی دیگران مواجه شود (ن. ک. طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۸۹). عقیده به معنی منعقد گردیدن، به امری اشاره دارد که با ذهن و روح انسان پیوند دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل واژه «العقد»).

آزادی اعتقاد دربردارنده انتخاب هر گونه عقیده، آزادی نفی عقیده و تغییر دادن عقیده به عقیده دیگری است (ن. ک. سروش محلاتی، ۱۳۸۱: ۲۶۳)، هر گاه از آزادی در عقیده سخن گفته می‌شود، می‌توان آن را در سه حوزه آزادی انتخاب عقیده یا باور، آزادی اظهار عقاید و آزادی تبلیغ عقیده تصویر کرد (حسینی کارنامی، ۱۳۹۳: ۸۱). از دیدگاه شهید مطهری منشأ مستقر شدن اعتقاد در روح انسان را تفکر آزاد، تقلید یا ناشی از خرافه، احساس و اوهام، دانسته‌اند، که جز تفکر آزادانه، در سایر موارد، اعتقاد بر انسان تحمیل می‌شود. وی ایجاد عقیده در انسان را اغلب بر اثر پیروی از

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۲۱

والدین یا دل‌بستگی دانسته که موجب ایجاد جمود و تعصب می‌گردد، وضعیتی که مانع آزادی تفکر انسان است (مطهری، ۱۳۸۴: ۹۷). در مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به آزادی اعتقاد و آشکار ساختن و تغییر آن، بدون نگرانی مزاحمت دیگران، تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر: ماده هجدهم و ماده نوزدهم).

در آیه مورد بحث «لا إكراهَ فی الدِّین...» (بقره، ۲۵۶)، خداوند می‌فرماید: اولاً انسان را مانند موجودات دیگر مجبور نیافریده است و به او عقل و اختیار عطا کرده است. ثانیاً چون عقل و اختیار دارد و راه گمراهی از راه رشد و کمال برای او مشخص شده، لزومی به اعمال جبر نیست. ثالثاً آیه بدین معناست که در دین چیزی که موجب ناخوشایندی (کراهت) عقل و فطرت باشد وجود ندارد. مضاعف بر آن «دین» به عقیده اطلاق می‌گردد، نه «عمل» و همگان در عقیده آزادند، مثلاً عقیده فردی، عدم وجود خدا و آخرت بوده و چون زندگی محدود به دنیاست، پس قتل و تجاوز را بدون اشکال بداند، در حالی که اگر آزادی به معنی مجاز بودن در اندیشه و عمل به شکل مطلق بود، خداوند متعال نه تنها انبیای الهی را ارسال نمی‌فرمود، بلکه اساساً قیامتی بر پا نمی‌گردید. زیرا محاکمه و جزا در مقابل آنچه بر آن آزادیم، بی‌معنا بود (ن. ک: x-shobhhe.com).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سخن معتقدین به ناسازگاری

برخی از افراد از این مسئله، ناسازگاری درونی دین به معنی ضد و نقیض‌گویی در کلام (ناسازگاری آموزه‌های دینی با یکدیگر) را نتیجه گرفته‌اند. این گروه این مطلب را دست‌مایه‌ای برای ایجاد تقابل میان دین و اختیار انسان قرار داده‌اند (رک: اصغری، ۱۳۷۸: ش ۲۰). برخی (مانند: طه جابر العلوانی و جودت سعید از اسلام‌شناسان

معاصر) با ارائه تحلیل تاریخی، ضمن پذیرش ناسازگاری، ساحت دین را وارسته از این پندار دانسته و با هدف دفاع از دین با احکام ارتداد مخالفت و آن را غیر اسلامی تفسیر کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد ناسازگاری آیه با احکام ارتداد، ابتدایی یا به اصطلاح شهید صدر در علم اصول، غیر مستقر است (ر.ک: الصدر، ۱۳۸۸: ۷، ۱۶۵) و با تأمل و دقت، ناسازگاری مرتفع می‌گردد.

پیش فرض های شبهه

ناسازگاری: تنافی ظاهری مجازات مرتد با مفاد آیه ۵۵۶ سورة بقره مبتنی بر این پیش فرض است که متعلق اکراه در آیه شریفه انتخاب دو مقدمه است؛ الف. مفاد آیه آن است که اکراه و اجباری در دین نیست، ب. مجازات ارتداد ممکن است نوعی اکراه بر التزام به دین اسلام و مخالف با قرآن تلقی گردد و اگر این دو مقدمه صحیح باشند، ناسازگاری حکم ارتداد با مفاد این آیه ایجاد می‌شود.

بررسی

در تفسیر ادلة متن محور، هدف، دستیابی به استظهار است. دستیابی به استظهار نیز تابعی از شناخت مفردات لغوی، ترکیب‌های عبارتی و سیاق مطلب است (واسطی، ۱۳۹۵: ۳۱-۶۲، ۸۸)، لذا استظهار لغات به کار رفته در آیات از زیرساخت‌های تفسیر برای کشف مراد آیه و شناخت مفردات، هیئت ترکیبیه و سیاق آیات است. مورد استعمال واژه اکراه بر اساس کتب لغت در جایی است که انسان بر انجام کاری مجبور شود. البته در برخی کتب لغوی تفاوتی میان کره و کره قائل نشده و هر دو را دارای معنای مکروه دانسته است (طریحی، ۱۳۷۵: ۶، ۳۵۸) منتها برخی به تبیین تفاوت پرداخته‌اند؛ از جمله آنکه کره را ناشی از عامل خارجی و کره را ناشی از عامل درونی

می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۷). ازهری وادار کردن کسی بر انجام کاری را ذکر کرده (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۱۱، ۶) همین معنا در کتب لغت بعدی نیز ذکر شده (حمیری، ۱۴۲۰ق: ۵۸۱۶، ۹)، برخی اکراه را همین‌گونه معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۳۹۳: ۳۷۶، ۳) در مفردات می‌خوانیم؛ «الْإِكْرَاهُ يُقَالُ فِي حَمْلِ الْإِنْسَانِ عَلَى مَا يَكْرَهُهُ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۸). با توجه به بیان اهل لغت، نارضایتی درونی و فشار بیرونی دو رکن اصلی معنای اکراه است. لذا معیار در اکراه، عدم استقلال مکره، در فعل است (ن.ک. شیخ انصاری، ۱۴۰۴ق: ۳، ۴۵). همچنین ماده اکراه از مفاهیم نسبی است و سه پایه معنایی دارد؛ مُکْرِه، مُکْرَه و مُکْرَهَ عَلَیْهِ. مطابق این معنا، مراد از مکره در آیه، انسان مکلف و مراد از مکره خدای تعالی فرض می‌شود. سؤال اصلی به عنوان ریشه اصلی شبهه، آن است که کدام فعل اکراهی مد نظر بوده و خدای تعالی انسان را بر کدام فعل اکراه نمی‌کند؟

احتمالات در متعلق اکراه

پس از شناخت معنای لغوی، مهم‌ترین پرسش در حیطه مفهوم‌شناسی کشف متعلق اکراه است. از آنجا که ماده اکراه از مفاهیم نسبی است، علاوه بر شخص مکره و مکره، فعلی وجود دارد که متعلق اکراه قرار گرفته است. لذا سؤال آن است که متعلق اکراه در کلام الهی چیست؟ که در واقع ریشه اصلی حل شبهه به این پرسش برمی‌گردد.

اعتقاد دینی

از عبارت برخی مفسرین استفاده می‌شود که متعلق اکراه اعتقاد به دین است، یعنی اکراهی بر باور به دین نیست. مفسرانی که در بیان فلسفه عدم اکراه، قلبی بودن دین را مطرح می‌کنند، دارای چنین پیش‌فرضی هستند. ایشان در بیان فلسفه عدم اکراه در دین

معتقدند که چون دین امر قلبی است، نمی‌توان کسی را بر آن اکراه کرد؛ استاد معرفت می‌نویسد: «المراد بذلک: لا إکراه فیما هو دین، علی الحقیقة. لأنّ ذلک من أفعال القلوب» (معرفت، ۱۳۸۷: ۶، ۲۷۵). اکراه در آنچه حقیقتاً دین است وجود ندارد، زیرا حقیقت دین از جنس اعتقاد بوده و باور از افعال قلوب محسوب می‌شود و امر قلبی قابلیت اجبار و اکراه ندارد. مطابق این دیدگاه، اعتقاد به دین امریست که اکراه نسبت به آن نفی شده و فلسفه آن نیز امری تکوینی است.

علامه طباطبایی نیز چنین تحلیلی از فلسفه عدم امکان اکراه در دین بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲، ۳۴۳). زیرا دین که سلسله‌ای از معارف علمی بوده و نتایج عملی به دنبال دارد، از قبیل اعتقادات بوده و اعتقاد از امور قلبیه‌ای است که اکراه در آن نقشی ندارد، زیرا اکراه تنها در افعال ظاهری تأثیر می‌گذارد در حالی که اعتقاد قلبی اسباب و عللی از سنخ اعتقاد و ادراک دارد (پانی‌پتی، ۱۳۷۸: ۱، ۳۶۳).

مطلق افعال

با توجه به حذف متعلق اکراه و دخول لای نفی جنس در آیه، این احتمال مطرح می‌شود که هیچ اکراهی در دین وجود ندارد. طبق این احتمال متعلق اکراه باور و اعتقاد دینی نیست، بلکه احکام و دستورات دین مراد است. یعنی اگر فعلی برای مکلف ناخوشایند بود، از سوی شارع الزام به انجام آن صورت نمی‌پذیرد. شبهه ناسازگاری احکام ارتداد با مفاد این آیه در صورتی پیش می‌آید که مراد از متعلق اکراه در آیه مطلق افعال باشد. بر این مبنا خدای تعالی هیچ کس را بر انجام کاری مجبور نمی‌کند، از سویی تعیین مجازات اعدام برای مرتد نوعی اجبار است، بنابراین مفاد آیه با حکم ارتداد ناسازگار است.

عدم اکراه و اجبار در انتخاب دین

مطابق این فرض، به طور کلی اکراه از ساحت دین نفی نمی‌شود، لذا ممکن است در بخشی از احکام دین اکراه وجود داشته باشد، منتها اصل پذیرش دین نباید اکراهی باشد. بنابراین هر انسانی در انتخاب دین آزاد بوده و چنانچه فردی بر التزام به دین اسلام مجبور شود، مخالف با اسلام است.

این فرض دارای دو صورت است:

الف. مراد از عدم اکراه در انتخاب دین آن است که پذیرش اولیه دین نباید اکراهی و زبانی باشد. طبق این فرض آیه بیانگر آنست که در پذیرش اولیه دین نباید کسی را اجبار کرد به گونه‌ای که به صورت زبانی و بدون باور اظهار اسلام کند، اما نسبت به سایر موضوعات اکراهی یا صورت خروج از دین آیه بیانی ندارد و نفیاً و اثباتاً حکمی نمی‌کند که بر اساس این فرض شبهه ناسازگاری آیه با حکم ارتداد پیش نمی‌آید، زیرا آیه صرفاً بیانگر عدم اکراه در پذیرش اولیه دین به صورت زبانی است. اما خروج از یک دین موضوع دیگری غیر از پذیرش اولیه دین است و آیه نسبت به آن ساکت است.

ب: مراد از اینکه اصل پذیرش دین نباید اکراهی باشد، این است که نه در مرحله پذیرش اولیه و نه در مرحله عدول و تغییر دین، اکراهی در انتخاب دین نیست. در این بخش متعلق اکراه مخصوص پذیرش دین است و ربطی به سایر موضوعات ندارد. اما درباره پذیرش دین نسبت به پذیرش اولیه، عدول و تغییر آن پس از پذیرش، اکراه نفی شده است. سعید جودت از جمله اندیشمندانی است که به این دیدگاه باور دارد. وی تصریح می‌کند که آیه نص صریح بر تحریم قتل مرتد دارد (جودت، ۱۴۱۸ق: ۳۸)، طبق تحلیل ارائه شده از شبهه، در این صورت نیز، ناسازگاری مجازات ارتداد با مفاد آیه تصویر می‌شود.

بررسی

با توضیح صور مختلف مسئله دو صورت قابل طرح است؛ نخست اینکه متعلق اکراه باور و اعتقاد دینی باشد. صورت دوم؛ اینکه متعلق اکراه پذیرش دین به نحو مطلق باشد اعم از پذیرش اولیه یا عدول و تغییر دین.

در باره احتمال اول:

الف. اگر چه امور قلبی (کفر یا ایمان) قابل اکراه نیست، اما اینکه همین موضوع فلسفه حکم از نظر شارع باشد نیاز به اثبات دارد. لذا انتساب این تحلیل به خدای تعالی باید از طریق سخن معصوم صورت پذیرد و بدون استناد به سخن معصوم نمی توان جزماً به چنین امری ملتزم شد.

ب. همچنین اگر نتیجه آن باشد که مراد از «دین» در آیه اعتقادات و مراد از «فی» معنای استعلاء باشد، یعنی؛ لا اکراه علی الدین ای الاعتقاد، اراده اعتقاد و باور از واژه دین خلاف ظاهر و مستلزم استعمال مجازی است.

ج. طبق این احتمال، شبهه جدی تر می شود، زیرا مرتد باید اعدام شود، در حالی که بر امر قلبی اکراهی نیست.

د. طبق این قول آیه در مقام اخبار از واقعیت و تکوین است، در نتیجه حکم تشریعی نیست، در حالی که مفاد آیه بیان یک حکم شرعی است، ادامه آیه نیز به منزله علت برای فراز قبل است و با تشریعی بودن حکم سازگار است.

هـ. این تعلیل اجتهاد در برابر نص است، زیرا خود آیه در مقام تعلیل عدم اکراه در دین مسئله تبیین رشد از غی را مطرح می کند. لذا جایی برای تعلیل به قلبی بودن اعتقاد وجود ندارد.

درباره احتمال دوم:

نتیجه آن است که مرز شکل‌گیری تکلیف شرعی، اکراه انسان است. اگر تکلیفی برای انسان برخاسته از فشار و تهدید باشد چنین حکمی از دین نفی می‌شود؛ همان‌گونه که درباره مفاد قاعده «لا حرج» گفته می‌شود. بر این اساس از مواردی که با مفاد این آیه برداشته می‌شود، التزام به اصل دین است که اگر اکراهی شد، برداشته شده است، لذا اگر کسی مرتد شد نباید مجازات شود. در واقع معیار تکلیف شارع، به امری خارج از مصالح و مفاسد نفس فعل یا غرض شارع مربوط می‌شود و معیار در دینی بودن یک گزاره، میل و رغبت مکلف است، که منجر به برداشت اومانستی از دین شده که معیار تکلیف نزد خدا را تمایلات انسان می‌داند، درحالی که آیه شبیه آیه «لا حرج» نبوده و نمی‌توان گفت که در اسلام حکم اکراهی نداریم؛ قرآن در خطابی صریح، قتال را واجب می‌داند، در حالی که بر آنان ناگوار است: «وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره / ۲۱۶). یا همانند الزام محترک بر فروش مال خود؛ پس این صورت نمی‌تواند صحیح باشد، بنابراین شبهه اگر مبتنی بر این فرض باشد، نادرست است. بر این اساس مراد از عدم اکراه در دین، عدم اکراه در پذیرش و انتخاب دین است و با توجه به قرائن درون‌متنی، سیاق و قرائن برون‌متنی، مراد از پذیرش دین نیز انتخاب اولیه آن است نه تغییر دین و عدول از دین اسلام، اما مرتد که دین حق را پذیرفته و قصد عدول از دین اسلام را دارد، مورد اشاره آیه نیست. لذا ممکن است دلیل دیگری برای این موضوع مد نظر قرار گیرد، زیرا با دو موضوع مواجه هستیم و حکم آنها متفاوت است و صرفاً تشابه دو موضوع دلیل بر تساوی در حکم نمی‌شود.

قرائن درون متنی و برون متنی

حل ناسازگاری ظاهری میان مفاد آیه با احکام ارتداد با فهم دقیق آیه حاصل می‌شود. فهم صحیح آیه نیز با توجه به برخی قرائن برون متنی و درون متنی حاصل می‌شود. توجه به قرائن روشن می‌کند که مراد از عدم اکراه در دین؛ اکراه بر پذیرش لسانی دین بوده و اینکه غیر مسلمانی از روی اکراه اظهار اسلام کند، که در آیه نفی شده است (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۱، ۵۲۱؛ مراغی، بی تا: ۳، ۱۶).

قرائن برون متنی

شان نزول آیه و استعمالات دیگر قرآنی پیرامون اکراه از قرائن برون متنی است؛ تفاسیر شیعه و سنی پیرامون شان نزول آیه روایاتی را ذکر کرده‌اند. کتاب اسباب النزول مجموع نقل‌ها در این باره را به نقل از ابن عباس و دیگران بیان کرده است (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱، ۵۵-۵۴).

شهید مطهری در کتاب خود (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۰، ۲۳۶) با استناد به برخی کتاب‌های تفسیری به این مطلب اشاره داشته‌اند؛ «مردی انصاری که قبلاً بت پرست بود دو پسر داشت که مسیحی شده بودند. این پسرها به مسیحیت علاقه‌مند بودند. اما پدرشان مسلمان بوده و از اقدام دو پسر خود ناراحت بود. لذا از محضر رسول اکرم (ص) کسب تکلیف کرده و اجازه خواست تا آنان را اجبار کند که حضرت موافق نکرده و فرمودند: «لا اکراه فی الدین» (ر.ک: رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۳، ۳۶ و سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱، ۳۳۰). همچنین منقول است که در زمان پیغمبر اکرم (ص) گروهی از بچه‌های مدینه تحت تربیت یهودی‌ها بوده و دین یهودیت را انتخاب کردند و به رغم اسلام والدین، از دین یهود برگشتند و زمانی که قرار بر مهاجرت یهودیان از اطراف

مدینه شد، با هم‌کیشان خود به راه افتادند. در این موقعیت والدین خدمت رسول خدا آمده و درخواست جدا ساختن آنها و مجبور ساختن آنها بر قبول اسلام شدند و آیه فوق نازل شد (ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۶).

با توجه به شأن نزول آیه روشن می‌شود که مراد از دین در آیه دین اسلام است؛ یعنی در پذیرش دین اسلام نباید اکراهی باشد (طبرسی، ۱۳۸۸: ۲، ۱۴۴). علامه طباطبایی در تفسیر آیه برای بیان وجه عدم اکراه به این نکته اشاره داشته و از سنخ «باور بودن» دین را منشأ عدم اکراه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲، ۱۹۶) شیخ طوسی نیز در تبیان تصریح دارد که اظهار شهادتین، دین نیست که مورد اکراه قرار گیرد (ن.ک. طوسی، ۱۳۲۳ق: ۲، ۴۵). با توجه به شأن نزول آیه، مراد از دین در اینجا اسلام است؛ یعنی افراد نباید به پذیرش زبانی آن مجبور شوند. پدرانی که قصد داشتند فرزندان خود را مجبور به اظهار شهادتین کنند، با نهی آیه مواجه شدند. بنابراین، این آیه تنها مربوط به پذیرش اولیة اسلام است و سخنی درباره خروج از اسلام ندارد، در نتیجه، ارتباطی با احکام ارتداد پیدا نمی‌کند.

قرائن درون‌متنی

مفاد آیه بیانگر آنست که خداوند به عنوان شارع، انسان را بر انجام کاری اکراه نمی‌کند و این به گونه‌ای اخبار از بنای شارع در تکلیف‌بندگان است. هر چند ممکن است شارع با فرض اکراه تکالیفی را جعل کند، منتها حق اکراه کسی در دین وجود ندارد. شاهد دیگر آنکه آیه، فلسفه عدم اکراه در دین را، روشن شدن راه رشد و غیّ می‌داند نه آنکه دین امر قلبی بوده و قابل اکراه نیست، بنابراین مفاد فراز اول آیه آن است که اختیار از طرفی برای انسان حق آزادی را به ارمغان می‌آورد، لذا درانتخاب دین آزاد

است و فراز دوم آیه بیانگر آنست که اختیار برای انسان مسئولیت می‌آورد و از آنجا که دین به عنوان مظهر رشد از راه کفر و شرک تمیز داده شده است و در چنین مواردی حکم عقل به عنوان حجت درونی باید انسان را برای پذیرش دین مهیا کند (نه عامل بیرونی با تهدید) همه این موارد ناظر به انتخاب اولیة انسان برای پذیرش دین اسلام است.

بنابراین نهی از اجبار بر پذیرش ظاهری دین ارتباطی با مجازات فردی که با اختیار و بدون اکراه، راه رشد را برگزیده و سپس از دین حق خارج شده، نخواهد داشت. لذا مجازات چنین فردی به دلیل جرم خروج از دین حق است نه آنکه دین حق را بپذیرد تا اکراه در پذیرش ظاهری دین قلمداد شود. در واقع احکام سرسختانه ارتداد می‌تواند، فتنه‌های دین‌ستیزانه‌ای را که با شیوة ارتداد توسط معاندان انجام می‌شد، خنثی سازد؛ «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَأْمِنُونَ بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا بآخِرِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران/۷۲) و هدف از این اقدام متزلزل ساختن تازه‌مسلمان‌ها و بی‌رغبت ساختن پیروان ادیان الهی بود.

بنابراین از آیات چنین برمی‌آید که مجازات مرتد به دلیل ماهیت مجرمانه و جلوگیری از نتایج زیان‌بار آن است (نه صرفاً تغییر عقیده بدون اظهار آن) و آیه «لا اکراه فی الدین» به مرحله تکوین اشاره داشته و اموری مثل مجازات‌ها مربوط به مرحله تشریع است.

ارتداد در یهودیت، مسیحیت و زرتشت

ارتداد از نگاه ادیان متعدد جرم بوده و مجازاتش مرگ است، حتی در بعضی منابع ادیان حال حاضر حکم آن شدیدتر از آیین اسلام است (رک: B2n.ir/g20580). در فرازی می‌خوانیم؛ اگر برادر تو، پسر مادر تو... که مانند جان تو است، تو را سرّاً اغوا

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۳۱

نموده تا آنچه غیر از خدایان تو و آبای تو بود، عبادت کنی... قبول نکن و گوش نده و چشمت بر او رحمت نکنند... البته او را به قتل رسان، دستت به قتلش دراز شود و سپس دست همه قوم و سنگسارش کن تا بمیرد، به دلیل آنکه جویای آن بود که تو را از خدایت... براند (سفر توریة مثنی، ۱۸۵۶م: فصل ۱۳، ۳۵۸-۳۵۷؛ الکتاب المقدس، بی تا: ۳۷۹-۳۸۰). در مواردی انکار عیسی (ع) همانند انکار موسی (ع) گناهی نابخشودنی تلقی شده است؛ اگر فردی دانسته گناه کند و گناهش این باشد که مسیح (که نجات دهنده اوست) را رد کند، این گناه با خون مسیح پاک نمی گردد... آری، راه دیگری جز اینکه در انتظار مجازات وحشتناک باشد (ندارد)، غضبی که همه دشمنان خداوند را هلاک کند. فردی که قوانین موسی را می شکست، اگر دو یا سه نفر به گناهش شهادت می دادند، بدون ترحم کشته می شد. حال تصور کنید چه مجازات وحشتناک تری در انتظار افرادیست که فرزند خداوند را لگدمال کرده و خونس را که برای رفع گناهشان ریخته شد، دست کم می گیرند (انجیل عیسی مسیح، ۱۳۵۷: ۳۰۶-۳۰۵).

از دو فراز عهد قدیم و عهد جدید استفاده می شود که حکم ارتداد در ادیان یهود و مسیح همانند اسلام، مرگ است، منتها فلسفه ای که در مورد حکم مرتد از عهد قدیم و آنچه به عنوان بزرگی گناه مرتد از عهد جدید بیان شد، هر دو به صورت کامل تری در حکمت حکم مرتد از نگاه اسلام نیز تبیین شده است. لذا حکم مرتد فی الجمله در همگی مذاهب و ادیان قتل بوده و تنها در شرایط آن اختلاف جزئی وجود دارد (دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت؛ B2n.ir/k37727). پس این نوع مجازات منحصر به اسلام نبوده و در ادیان سابق نیز وجود داشته است.

ارتداد در آیین یهود

آیین یهود بر این باور است که «در زمانی که حضرت موسی(ع) برای نزول تورات در کوه طور معتکف شد و مدت غیبت او به طول انجامید، بنی اسرائیل برای خود گوساله‌ای از جواهرات ساخته و آن را پرستیدند. موسی(ع) با شنیدن این انحراف، آشفته شد و از جانب خداوند به او فرمان رسید که کاهنانی که بر غیر خدا سجده کرده‌اند، کشته شوند و چنین شد و در آن روز، سه هزار نفر از بنی اسرائیل کشته شدند (سفر خروج تورات، باب ۳۲). بخشی از این حکایت در قرآن کریم نیز انعکاس یافته است؛ «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره/۵۴).

در کتاب تورات از رفع عذاب ارتداد با توبه، سخنی گفته نشده است؛ به این معنی که مجازات مرتد از نگاه تورات قتل است، با این حال در قرآن عبارت «فَتَابَ عَلَيْهِمْ» (بقره/۵۴) می‌تواند اشاره به برداشتن کیفر مرتد در فرض توبه باشد؛ فقهای اسلامی نیز بر این اعتقادند که مرتد ملّی فرصت داده می‌شود تا توبه کند و در فرض بازگشت، مجازاتش برداشته شود. نیز در تورات، از جهت مجازات، فرقی میان مرد و زن مرتد وجود ندارد، منتها فقهای اسلامی مجازات زن مرتد را معمولاً اعدام ندانسته‌اند (ر.ک: دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت؛ B2n.ir/k37727).

ارتداد در مسیحیت

ارتداد و مجازات مرتد، از تورات در بین مسیحیت نیز راه یافته و همه دانشمندان مسیحی تا پیش از پیدایش مذهب پروتستان، جزای ارتداد را اعدام می‌دانستند، هر

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۳۳

چند برخی رهبران مذاهب مسیحیت (شاید تحت تأثیر اسلام) این مطلب را پذیرفته‌اند که توبه شخص مرتد، مجازاتش را منتفی می‌کند (ر.ک: B2n.ir/d01373). آلبر ماله می‌نویسد: گسترش قلمرو امت نصرانی در اروپا، در قرون وسطی محقق شد و در نتیجه مسلمانان از اسپانیا رانده شدند. در این مقطع، دو گروه؛ سالکان (لیون) و مرتدان (آلبی‌ها) به وجود آمدند و مرتدان آلبی، مثل ایرانیان قدیم به مبدأ خیر و شر اعتقاد داشتند و مسیح را به عنوان فرشته‌ای که مبدأ خیر فرستاده، می‌شناختند، همچنین به تناسخ اعتقاد داشته و از خوردن گوشت حیوانات پرهیز می‌کردند. این اعتقاد در (لانگدوک) به سرعت منتشر شد و روحانیت کاتولیک را از اعتبار ساقط کرد. از این رو، آنها به این افراد مرتد و قوم ترک (غیر مسیحی) به یک چشم نگاه کرده و در نهایت به فرمان پاپ، جنگ صلیبی بر علیه مرتدان آغاز و (آلبی‌ها) به قتل رسیدند (ر.ک: ماله، ۱۳۹۷).

با نفوذ اندیشه ارتداد و مجازات مرتد، از تورات به مسیحیت تمامی دانشمندان مسیحی تا پیش از به وجود آمدن مذهب پروتستان، مجازات فرد مرتد را اعدام می‌دانستند. به دنبال جنگ‌های صلیبی، دادگاه‌های تفتیش عقاید به وجود آمد و در این دادگاه‌ها برای گرفتن اعتراف، مردم شکنجه می‌شدند و افرادی که لب به اعتراف می‌گشودند، مجازات خفیف‌تری داشته و افرادی که اعتراف نمی‌کرده یا قبلاً یک بار توبه کرده و آن را شکسته بودند، به صورت زنده طعمه حریق آتش می‌شدند (ر.ک: B2n.ir/j39024). این نوع از دادگاه‌ها در کشورهای چون ایتالیا و فرانسه مدت‌ها تداوم داشت و در آلمان نیز گهگاهی تشکیل می‌گردید. بعضی روحانیان بویژه فرقه (فرانسوا) مخالف تفتیش عقاید بودند، به طوری که یکی از آنها می‌نویسد: حتی اگر پطرس و پولس مقدس هم به این دیوان احضار می‌گشتند، براءت ذمه کسب نمی‌کردند

(l.k: Eliade, 1993,v.1, p.353). چنانچه ملاحظه می‌شود این رویکرد به ارتداد بسیار شدیدتر از واکنش اسلام به موضوع ارتداد است، با این حال به عنوان ضمانت اجرایی بر عدم خروج از اعتقادات به کار گرفته شده است.

ارتداد در آیین زرتشت

کیفر مرتد در مجوسیت هم به طور کلی اعدام بود (ایرانی یا غیر ایرانی) و برای این موضوع، شواهد فراوانی وجود دارد. از جمله متن نامه تنسر، که موبد موبدان در دوره اردشیر بابکان بوده است و در تاریخ طبرستان موجود بوده است (B2n.ir/n13494؛ B2n.ir/n49776؛ کتاب مقدس؛ ۱۹۰۱م، عهد قدیم، سفر لاویان، فقره‌ی ۱۶) ۱.

بررسی و نتیجه

هریک از آیات مرتبط با ارتداد و لا اکراه، از کارکردهای مخصوص خود برخوردار بوده و گاه همپوشانی آنها، باعث تصور تنافی بین آنها شده است. با تدبیر در مفاد آیات و در نظر گرفتن قرائن داخلی و خارجی، به نظر می‌رسد که مراد از عدم جواز اکراه در دین، مربوط به پذیرش اولیه و لسانی دین اسلام است؛ لذا ارتداد، ایمان و انتخاب اختیاری و آزادانه دین اسلام و سپس خروج از آن بوده و تعیین مجازات برای آن به معنای اجباری بودن پذیرش دین نبوده، بلکه به دلیل خروج از دین حق و پیامدهای ناشی از آن است و قرینه سیاق و قرائنی همچون شأن نزول آیات مربوطه، احتمال موجود در آیه را تقویت می‌کند. با بررسی انجام گرفته می‌توان به این مطلب رسید که موضوع ارتداد در اسلام و سایر ادیان عمدتاً جدای از موضوع پذیرش دین است،

۱. مستقلاً توسط مجتبی مینوی، در سال ۱۳۱۱ منتشر شده است.

ارتداد به معنای اعلام انکار دین و موضع‌گیری در برابر آن است و بدیهی است در جامعه‌ای که بر اساس اعتقادات دینی، قوانین، رفتارهای اجتماعی و... شکل گرفته که هر یک دارای کارکردهای بسیاری در زندگی انسان‌ها هستند، برخی افراد نمی‌توانند در برابر دین و اعتقادات موضع‌گیری کرده و درصدد تخریب آن برآیند، زیرا منجر به ایجاد آثار نامطلوب و تزلزل ارکان اجتماعی خواهد شد. مسئله ارتداد و موضع‌گیری در مقابل دین، یک حکم سیاسی و اجتماعی است و نه صرفاً امری اعتقادی و این مسئله در شرایع و ادیان دیگر نیز وارد شده (B2n.ir/p19660) و امری بدیهی و غیر قابل انکار بوده و اعمال حکم ارتداد در دین یهود و مسیحیت و آیین زرتشتی وجود داشته و هر یک برای این حکم، دلایل خاص خود را بیان کرده‌اند، منتها حکم بیان شده در آنها ناظر بر ارتداد بوده و مداخلیتی با الزام و اکراه بر ورود بر آیین خاصی نداشته‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

اصغری، محمود (۱۳۷۸ش)، «نقد نظریه تضاد دین و آزادی»، اندیشه حوزه، ش ۲۰.

امام خمینی، روح‌الله الموسوی (۱۳۷۸ش)، آداب الصلاة، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار.

امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹ش)، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

انجیل عیسی مسیح؛ نامه‌ای به مسیحیان یهودی نژاد عبرانیان (۱۳۵۷ش)، ترجمه تفسیری عهد جدید، تهران، سازمان ترجمه تفسیری کتاب مقدس.

پانی پتی، ثناء الله (۱۳۷۸ش)، التفسیر المظهری، پاکستان - کوئته، مکتبه رشدیه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱ش)، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، ولایت فقیه ولایت فقها، قم، اسراء.

جودت، سعید (۱۴۱۸ق)، کتاب لا اکراه فی الدین، گردآورنده محمد نفیسه، دمشق، العلم و السلام للدراسات و النشر.

جوهری، الصحاح (۱۴۰۷ق)، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت.

حسینی کارنامی، سید حسین (۱۳۹۳ش)، «آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه لا اکراه فی الدین»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۹.

حسینی، سیدابراهیم (۱۳۸۲ش)، ارتداد در آیین فلسفه حقوق اسلامی، معرفت، ش ۷۰، صص ۴۷-۵۸.

حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، تصحیح رضا استادی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول.

حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت، دار الفکر المعاصر.

الخالدی، صلاح عبد الفتاح (۱۴۲۸ق)، القرآن و نقض مطاعن الرهبان، بی جا، دار القلم.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، تکملة المنهاج، قم، مدینه العلم.

درودی، سعید (۱۳۸۰ش)، «ارتداد در نظام حقوقی ایران»، بازتاب / اندیشه، ش ۲۳.

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۳۷

- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان؛ بیروت، دارالعلم.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیریتفسیر المنار، لبنان؛ بیروت، طبع دارالمعرفه.
- زنجانی، ابراهیم (۱۴۱۳ق)، عقائد الإمامیه الأثنی عشریه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- سبحانی، جعفر (۱۴۰۴ق)، مفاهیم القرآن، قم، مؤسسه امام صادق(ع).
- سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
- سروش محلاتی (۱۳۸۱ش)، محمد، آزادی، عقل و ایمان، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان.
- سفر توریة مثنی (۱۸۵۶م)، فصل ۱۳، (مشمول بر ۱۸ آیه) کتاب المقدس، ترجمه فارسی ولیم گلن، لندن، دار السلطنه.
- سید قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
- شاکرین، حمیدرضا و جمعی از محققانی (۱۴۰۴ق)، پرسشها و پاسخهای دانشجویی (دفتر ۷)، قم، نشر معارف.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۴ق)، الاصول الاصلیه، قم، بی نا.
- شهیدثانی، زین الدین (۱۴۰۴ق)، حاشیه الارشاد، محقق رضا مختاری، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمدامینی (۱۴۰۴ق)، المکاسب المحرمه، ویراستار احمد پایانیان، قم، دارالحکمه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۲۳ق)، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

صادقی فدکی، سیدجعفر (۱۳۸۸ش)، ارتداد؛ بازگشت به تاریکی؛ نگرشی به موضوع ارتداد از نگاه قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

الصدر، السیدمحمدباقری (۱۳۸۸ش)، بحوث فی علم الأصول، قم، مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی. طباطبایی مؤتمنی، منوچهری (۱۳۸۸ش)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵ش)، المیزان فی تفسیرالقرآن، لبنان؛ بیروت، طبع مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۸ش)، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان؛ بیروت، طبع دارالمعرفه. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ش)، الفین الفارق بین الصدق و المین، قم، مؤسسه الاسلامیه للبحوث و المعلومات.

عوده، عبدالقادر (۱۳۷۵ش)، التشریع الجنائی الاسلامی، بیروت، دار الكتاب العربی.. فاضلی میبیدی، محمدتقی (۱۳۷۸ش)، دینداری و آزادی، تهران، نشر آفرینه. فانی، مهدی و محمدحسین رجبی (۱۳۹۳ش)، «موارد استدلال تفسیری-کلامی به آیه لا اکراه فی الدین»، فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۵.

فخررازی، محمد (۱۴۲۰ق)، تفسیر کبیر، لبنان؛ بیروت، طبع داراحیاء التراث العربی. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۹۳ش)، کتاب العین، ق، نشر هجرت. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۳۷۷ش)، آزادی و دموکراسی، مترجم مجتهد مرادی، علوم سیاسی، بی‌جا، بی‌نا.

فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، هجرت، چاپ دوم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ همراه قانون اساسی مشروطه با مقدمه و ضائم-آخرین اصلاحات (۱۳۸۶ش)، قم، نشر جمال.

الکتاب المقدس (بی‌تا)، سفر تننیه الاشتراع، الفصل ۱۳، بیروت، دار المشرق.

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۳۹

- کتاب مقدس؛ عهد عتیق و عهد جدید (۱۹۰۱م)، لندن، بیبل سوسائیتی، بی جا، بی نا.
- ماله، آلبر (۱۳۹۷ش)، تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله (تاریخ آلبر ماله)، مترجم عبدالحسین هژیر، بی جا، سمیر.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۰ش)، دایرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۱ش)، دایرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۹۰ش)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق و مصحح عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، اسماعیلیان.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، لبنان؛ بیروت، طبع دار الفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، قم، طبع انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹ش)، یادداشت های استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷ش)، التفسیر الأثری الجامع، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، عبدالعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، لبنان؛ بیروت، طبع مؤسسه اهل بیت (علیهم السلام).
- میرموسوی، سید علی (۱۳۸۱ش)، مبانی حقوق بشر در اسلام و مکاتب دیگر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۴۰ دوفصلنامه تفسیرپژوهی اثری - سال یازدهم، جلد دوم، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

نظری، مرتضی (۱۴۰۴ق)، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

واحدی، علی بن احمد (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول القرآن، مترجم ذکاوتی قراگزلو، تهران، نشر نی.
واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵)، «روش‌شناسی تحلیل لغت در فرایند استنباط فقهی (الگوریتم یا روش قدم به قدم دست‌یابی به معنای مفردات ادله)»، فقه، ش ۸۸.

وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، منهاج‌الصالحین، قم، مدرسه امام باقر (علیه‌السلام).

منابع لاتین

Eliade, Mircea, 1993, The Encyclopedia Of Religion, Macmillan Publishing Company, New York, 16v.1993, v.1, p. 353.
Wigoder, Geoffrey, 1996, Encyclopedia Judaica, Encyclopedia Judaica Jerusalem.

وبسایت‌ها

اسلام کوئست نت: B2n.ir/j39024

اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ B2n.ir/mk8647

مرکز پاسخگویی: مرکز فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها؛ B2n.ir/g20580

دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت (ویکی شیعه)؛ B2n.ir/k37727

پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ <http://hawzah.net>

مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی؛ B2n.ir/d01373

بخش اعتقادات شیعه تبیان: ۸۲ پرسش، آیه الله شهید سید عبدالحسین دستغیب؛ B2n.ir/n13494

سایت پاسخگویی به شبهه؛ x-shobhhe.com

کتابخانه مدرسه فقهات؛ B2n.ir/x93995

ارتداد در ادیان؛ یهود، مسیح و زرتشت؛ B2n.ir/p19660

مرکز فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها؛ B2n.ir/r71397

حقانیت شیعه و رد شبهات؛ B2n.ir/n49776

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Kathir, Ismail ibn Umar (1419 AH), Tafsir al-Quran al-Azim, Beirut, Dar al-Kutb al-Ilmiyah, Muhammad Ali Baydoon Publications. [In Arabic]

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic]

Abul-Futuh Razi, Hussein ibn Ali (1371 AH), Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran, Mashhad, Islamic Research Foundation. [In Arabic]

Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH), Tahdhib al-Lughah, Beirut, Dar al-Ihya al-Turat al-Arab. [In Arabic]

Asghari, Mahmoud (1378 AH), "Criticism of the Theory of the Conflict of Religion and Freedom", Andisheh Hawza, Vol. 20. [In persian]

Imam Khomeini, Ruhollah al-Musawi (1378 AH), Adab al-Sala, Tehran, Institute for the Compilation and Publication of Works. [In Arabic]

Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1379 AH), Tahrir al-Wasilah, Tehran, Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, First Edition. [In persian]

The Gospel of Jesus Christ; A Letter to the Jewish Christians of the Hebrew Race (1357), Explanatory Translation of the New Testament, Tehran, Explanatory Translation Organization of the Holy Bible.

Panipatti, Sanaullah (1378), Al-Tafsir Al-Muzhari, Pakistan-Kuwait, Rushdieh Library. [In Arabic]

Javadi Amoli, Abdullah (1371), Philosophy of Human Rights, Qom, Israa. [In persian]

Javadi Amoli, Abdullah (1378), Wilayat Al-Faqih Wilayat Al-Fujaha, Qom, Israa. [In persian]

Jawdat, Saeed (1418), Kitab La Ikrah Fi Din, compiled by Muhammad Nafisah, Damascus, Al-Ilm Wa Al-Salam For Studies and Publishing. [In persian]

Jawhari, Al-Sahah (1407), Ismail bin Hammad, Al-Sahah, Taj Al-Lughah and Sahih Al-Arabiya, researched by Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut, Dar Al-Ilm Lal-Malayin, fourth edition [In Arabic].

Haramili, Muhammad bin Hassan (1409), Wasa'il Al-Shi'ah, Qom, Al-Ali Al-Bayt Institute. [In Arabic]

Hosseini Karnami, Seyyed Hussein (2014), "Freedom of Belief and Freedom of Expression Based on the Interpretative Analysis of the Verse of No Compulsion in Religion", Research Journal of Quranic Studies, No. 19. [In persian]

Hosseini, Seyyed Ibrahim (2003), Apostasy in the Mirror of Islamic Law Philosophy, Marafat, Vol. 70, pp. 47-58 [In persian].

Halabi, Abu al-Salah (1403 AH), Al-Kafi fi al-Fiqh, edited by Reza Ostad, Isfahan, Imam Amir al-Mu'minin (AS) Library, First Edition. [In Arabic]

Himiri, Nashwan ibn Saeed (1420 AH), Shams al-Uloom and the Medicine of Arab Words from Words, Beirut, Dar al-Fikr al-Mas'ir. [In Arabic]

- Khalidi, Salah Abdul Fattah (1428 AH), The Quran and the Rejection of the Monks of the Monks, Bija, Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Khoei, Seyyed Abu al-Qasim (1410 AH), Takmul al-Minhaj, Qom, Madinat al-Ilm.
- Daroudi, Saeed (1380), "Apostasy in the Legal System of Iran", Baztab Andisheh, Vol. 23. [In Arabic]
- Raghib Isfahani, Hussein (1412 AH), Mufradat Alfaaz Al-Quran, Lebanon; Beirut, Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Rashidreza, Muhammad (1414 AH), Tafsir al-Quran al-Hakim al-Shafarib al-Manar, Lebanon; Beirut, Dar al-Marfa'a. [In Arabic]
- Zanjani, Ibrahim (1413 AH), Aqa'idah al-Imamiyah at-Tasni'ashriya, Beirut, Al-Alami Publishing House. [In Arabic]
- Sobhani, Ja'far (1404 AH), Concepts of the Quran, Qom, Imam Sadiq (AS) Foundation. [In persian]
- Sabzevari, Sayyid Abdul-Ala (1413 AH), Muhadzib al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram, Qom, Al-Manar Foundation, 4th edition. [In Arabic]
- Soroush Mahallati (1381 AH), Muhammad, Azadi, Aql va Iman, Qom, Secretariat of the Assembly of Experts. [In persian]
- Safar Turiya Muthani (1856), Chapter 13, (containing 18 verses) Kitab al-Maqdis, Persian translation by William Glenn, London, Dar al-Saltanah.
- Sayyid Qutb (1425 AH), Fi Zilal al-Quran, Beirut, Dar al-Shoroq.
- Shakrin, Hamid Reza and a group of researchers (1404 AH), Student questions and answers (Office 7), Qom, Maarif Publishing. [In persian]
- Shabr, Abdullah (1404 AH), Al-Usul al-Asliyyah, Qom, Bina.
- Shahid Thani, Zayn al-Din (1404 AH), Hashiyat al-Arshad, Mohaqiq Reza Mokhtari, Qom, Islamic Publications of the Qom Teachers' Association. [In Arabic]
- Shushtari, Qadi Noorullah (1409 AH), Ikhqaq al-Haq wa'Izhaq al-Batil, Qom, Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [In Arabic]
- Sheikh Ansari, Murtaza bin Muhammad Amini (1404 AH), Al-Makasib Al-Muhramah, edited by Ahmad Payyanizban, Qom, Dar Al-Hikmah. [In Arabic]
- Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan (1323 AH), Al-Tabiyan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Turaht Al-Araby Publications. [In Arabic]
- Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan (1387 AH), Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiyah, Tehran, Al-Muktabah Al-Murtazawiyah Lahiyah Al-Athar Al-Jaafariyyah. [In Arabic]
- Sadeghi Fadaki, Sayyid Jafar (1388 AH), Apostasy; Return to Darkness; A View of the Subject of Apostasy from the Perspective of the Holy Quran, Qom, Bostan Kitab Foundation. [In persian]
- Al-Sadr, Sayyid Muhammad Baqiri (1388 AH), Research in the Science of Fundamentals, Qom, Da'ere' Ma'arif Al-Fiqh Al-Islamiyyah Foundation. [In Arabic]
- Tabataba'i Mo'tamani, Manouchehri (1388 AH), Public Freedoms and Human Rights, Tehran, University of Tehran. [In Arabic]

- Tabatabaei, Muhammad Hussein (1375), *Al-Mizan in the Interpretation of the Quran*, Lebanon; Beirut, Al-Alamy Institute for Printing. [In persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1388), *Majma' al-Bayan*, Tehran, Nasser Khosrow Publishing. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH), *Jame' al-Bayan in the Interpretation of the Quran*, Lebanon; Beirut, Dar al-Marfa Publishing [In Arabic].
- Tareehi, Fakhr al-Din (1375), *Majma' al-Bahrain*, Tehran, Mortazavi Bookstore.
- Allameh Heli, Hassan bin Yusuf (1381), *Al-Fin al-Farq bin al-Saddiq and al-Min*, Qom, Al-Islamiyya Institute for Research and Information. [In Arabic]
- Odeh, Abdul Qadir (1375), *Al-Tarsee' al-Juna'i al-Islami*, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Fazeli Meybodi, Muhammad Taqi (1378), *Religion and Freedom*, Tehran, Afreen Publishing. [In Arabic]
- Fani, Mahdi and Muhammad Hussein Rajabi (2014), "Theological-Exegetical Arguments on the Verse of No Compulsion in Religion", *Theological Research Quarterly*, No. 5. [In persian]
- Fakhr Razi, Muhammad (1420 AH), *Tafsir al-Kabir*, Lebanon; Beirut, Dar Hayya al-Turaht al-Arabi Publishing House.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1393 AH), *Kitab al-Ain*, Q, Hijrat Publishing House [In persian].
- Fazlullah, Seyyed Muhammad Hussein (1377 AH), *Freedom and Democracy*, translated by Mujtahid Moradi, Political Sciences, Bija, Bina. [In Arabic]
- Fayumi, Ahmad bin Muhammad (1414 AH), *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir*, Qom, Hijrat, 2nd edition. [In Arabic]
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran; together with the Constitutional Constitution with its Introduction and Appendices - the Latest Reforms (2017 AH), Qom, Jamal Publishing House.
- The Holy Bible (Bita), *Book of Deuteronomy, Chapter 13*, Beirut, Dar al-Mashreq.
- The Holy Bible; Old and New Testament (1901), London, Bible Society, Bija, Bina.
- Malle, Albert (1397), *History of the Middle Ages to the Hundred Years' War* (History of Albert Malle), translated by Abdul Hussein Hejir, Bija, Samir.
- Authors' Collection (1390), *Encyclopedia of Islamic Jurisprudence, Dictionary of Jurisprudence*, Qom, Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. [In persian]
- Authors' Collection (1391), *Encyclopedia of Islamic Jurisprudence, Dictionary of Jurisprudence According to the School of Ahlul Bayt* (peace be upon them). [In persian]
- Mohaqqiq-e-Hilli, Jafar ibn Hassan (1390), *Sharia'e al-Islam fi ma'al al-halal wa al-haram*, researcher and corrector Abdul-Husayn Muhammad Ali Baqal, Qom, Ismaili. [In Arabic]
- Maraghi, Ahmad Mustafa (Bita), *Tafsir al-Maraghi*, Lebanon; Beirut, Dar al-Fikr Publishing House. [In Arabic]
- Mustafavi, Hassan (1430 AH), *Tahqiq fi kalamat al-Quran al-Karim*, Qom, Islamic Publications. [In Arabic]

- Motahari, Morteza (1358 AH), Collection of Works, Tehran, Sadra Publishing House. [In persian]
- Motahari, Morteza (1379 AH), Notes of Professor Motahari, Tehran, Sadra Publishing House. [In persian]
- Motahari, Morteza (1384 AH), Around the Islamic Republic, Tehran, Sadra Publishing House. [In persian]
- Marafet, Mohammad Hadi (1387 AH), Al-Tafsir al-Athari al-Jami', Qom, Al-Tamheed Cultural Institute. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser (1380 AH), Tafsir al-Numno, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyya. [In persian]
- Mousavi Sabzevari, Abdul Ali (1409 AH), The Gifts of the Ar-Rahman in the Interpretation of the Quran, Lebanon; Beirut, Ahlul Bayt Institute (peace be upon them). [In Arabic]
- Mir Mousavi, Seyyed Ali (1381 AH), The Principles of Human Rights in Islam and Other Schools, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute. [In Arabic]
- Najafi, Mohammad Hassan (1404 AH), Jawaher al-Kalam in the Explanation of the Laws of Islam, edited by Abbas Quchani Ali Akhundi, Beirut: Dara Hayya al-Turaht al-Arabi. [In persian]
- Nazari, Morteza (1404 AH), A Study of Christian Propaganda Methods, Tehran, Islamic Propaganda Organization Printing and Publishing Center. [In persian]
- Vahedi, Ali bin Ahmad (1383 AH), The Reasons for the Revelation of the Quran, Translated by Zakawti Qaragazloo, Tehran, Ni Publishing House. [In persian]
- Wasiti, Abdul Hamid (2016), Methodology of Word Analysis in the Process of Jurisprudential Inference (Algorithm or Step-by-Step Method of Reaching the Meaning of the Words of Evidence), Fiqh, No. 88. [In Arabic]
- Vahid Khorasani, Hussein (1428 AH), Minhaj al-Salihin, Qom, Imam Baqir (AS) School. [In Arabic]

Latin Sources

- Eliade, Mircea, 1993, The Encyclopedia Of Religion, Macmillan Publishing Company, New York, 16v.1993, v.1, p. 353
- Wigoder, Geoffrey, 1996, Encyclopedia Judaica, Encyclopedia Judaica Jerusalem.

Websites

- Islam Quest Net: B2n.ir/j39024
- Universal Declaration of Human Rights; B2n.ir/mk8647
- Response Center: Cultural Center of the Leadership Institution in Universities; B2n.ir/g20580
- Virtual Encyclopedia of the Ahl al-Bayt School (Shia Wiki); B2n.ir/k37727
- Hawzah Information Site; <http://hawzah.net>

بررسی تفکیک دلالت آیه «لا اکراه فی الدین» و حکم ارتداد با تأملی... / جلالی ۱۴۵

Center for Answering Religious Questions; B2n.ir/d01373

Shiite Beliefs Section: 82 Questions, Ayatollah Martyr Seyyed Abdul Hussein
Dastghayb; B2n.ir/n13494

Site for Answering Doubts; x-shobhhe.com

Library of the School of Jurisprudence; B2n.ir/x93995

Apostasy in Religions; Jews, Christians, and Zoroastrians; B2n.ir/p19660

Cultural Center of the Leadership Institution in Universities; B2n.ir/r71397

Shiite Legitimacy and Rejection of Doubts; B2n.ir/n49776





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی